آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه‌وری

بهای اشتراک

سالیانه ۳۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوایر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهی با دفتر اداره است

جای اداره:

خیابان خیام جنب کوچه حمام بانك

آژیر بغیر از روز شنبه هر روز صبح منتشر میشود

سال اول شماره ۴۲ — صبح دوشنبه ۲۰ تیر ۱۳۲۲ — تکشماره یکریال

آذربایجان و گیلان

در آنجا هر در شهرستان بزرگی که خورشید آزادی ایران از آنجا طلوع کرده و مردان رشید آنها برای بر افراشتن بیرق مشروطیت سینه های خود را سپر قرار داده اند صداهای اساسی ما با لحن صمیمانه تری منعکس گردیده هنگامیکه انگلها و پارازیتهای رنگارنگ تهران با تمام قوای خود برای خفه کردن صدای ما و شکستن قلم ما جلوگیری از افکار میهن پرستانه ما تلاشهای پست رذل و خائنانه زیر چاکی مشتبث میشدند آذربایجان صدای خود را بلند کرده روزنامه کهن سال شاهین روی عقیده آزادیخواهی دیرین خود مقاله اساسی ما را که راجع برفتار مرتجعانه نمایندگان آذربایجان نوشته بودیم تکرار کرده و بما امیدواری داد که آذربایجانیها در مبارزه با عناصر ارتجاعی همیشه ثابت قدم بوده برای حضور در مجلس بهترین و پاکترین مردان خود را انتخاب خواهند کرد. آزادیخواهان راضی نخواهند شد که چند نفر محتکر استفاده جو و متعرض بنام او از فلاکتگران و استفاده چی ها حمایت کنند با وجود امیدواری که قلم دوست حساسمان آقای آزاده مدیر روزنامه آزادیخواه شاهین بما میدهد هنوز اطمینان زیادی نداریم که همان انگلها همان عناصر فاسد همان پارازیتها از تشتت و عدم یگانگی آزادیخواهان آنجا استفاده نکنند و دوباره کرسی‌های پارلمان را اشغال نکنند و [illegible] مانعهای کمرشکن و رژیم آزادی کش را بصورت زارعین اردبیل سراب خوی و مرند و ماکو تحمیل نکنند.

ما خوب میدانیم که رژیم منحوس سابق از تخریب آذربایجان منظورش چه بود و برای چه رضاخان میخواست آنجا را مانند کوهستان خوزستان [illegible] کرده مرکز آنرا به قبرستان کهنه مبدل سازد او از آذربایجان و همت مردان آزادیخواه او میترسید و میدانست که آذربایجانی زیر بار زور و فشار ارتجاع نمیرود و آزادی را که بازور بازو و دادن قربانیها بدست آورده است ممکن نیست بگذارد از بین برود. برای این میخواستند آذربایجان فلج بشود فرزندان او کور و کر لخت برهنه بیکار [illegible] باشند و نتوانند در ادوارات اجتماعی و سیاسی دخالت کنند این سیاست [illegible] کس هنوز هم در پس فرسوده و کثیف مرتجعین باقی بوده در اثر جانفشانی آنها در عرض این دو سال برای جبران گذشته هیچ کاری برای آذربایجان انجام داده نشده است. البته مردم آذربایجان حق دارند نسبت بزمامداران امروزی تهران ظنین و بدبین باشند.

حق دارند به نمایندگانیکه خود را پیام آذربایجان بمجلس انداخته اند اعتراض کرده کارهای آنها را تقبیح نمایند.

بهرحال ما طوریکه مدیر شاهین نوشته بود آذربایجان را حامی و کمپان آزادی و دموکراسی میدانیم انتظار داریم افراد آزادیخواه و میهن پرست آنجا دولت و ائتلاف را کنار گذاشته با تشکیل جبهه واحد تمام نمایندگانیرا که طبق قانون باید به تهران بفرستند از میان خود انتخاب نمایند:

شهرستان آزادیخواه دیگر که بصدای ما جواب داده رشت بود روزنامه‌های البرز باید بداند که گیلان و آذربایجان هردو در دوره منحوس خود سری به یك درد مبتلا بوده رضاخان و کاسه لیسهای او گیلان را هم مانند آذربایجان میخواستند خراب بکنند زیرا فرزندان رشید گیلان را هم در حفظ آزادی پیشقدم و فداکار دیده بودند بمناسبت موقعیت جغرافیائی خود و تماس نزدیك با ملل مترقی و آزادیخواه چشم و گوش ساکنین این دو ایالت بزرگ باز بوده. رشتی هم مانند آذربایجانی در آزادیخواهی در میهن پرستی در قربانی دادن و جانفشانی امتحان داده بود شلاق این خورش [illegible] و برای این میخواست گیلان را [illegible] بکند.

اگر ساکنین زندانهای سیاسی و تبعیدگاههای هراز بلوچستان از زندان را نگاه میکردید غیر از آذربایجانی و گیلانی باستثنای دسته پنجاه و سه نفر که مهم آن هم آذربایجانی و گیلانی بود بدسته و جمعیت قابل ذکری که از شهرهای دیگر باشد بر نمیخوردید

این تصادفی نبود. آذربایجانی و گیلانی را شناخته بودند و میخواستند با زور و جبر و فشار ساکت و آرامشان بکنند.

اینك بنا بخبرهای صحیحی که بما رسیده اینطور فهمیده میشود که امروز هم آزادیخواهان این دو ایالت بزرگ خواسته اند برطبق انتظار تمام آزادیخواهان ایران برای اجرای آمال دیرین خود جبهه واحدی تشکیل بدهند این نتیجه ما مایه تاسف و بدبختی است اگر آذربایجان و گیلان جبهه با تشکیلات با وسایل گوناگونی که مرتجعین مرکز در دست دارند احتمال میرود در مجلس چهاردهم هم آزادیخواهان نتوانند دستی داشته باشند بهرحال ما از گیلان و آذربایجان منتظر فداکاری بزرگی هستیم.

گشایش نمایشگاه

صنایع شوروی

درزمان جنگ

برحسب دعوت سفارت شوروی ساعت ۶ بعداز ظهر روز ۱۰ شنبه آقای نخست وزیر و چند تن از وزیران اوزیس مجلس وعده ای از نمایندگان مجلس نمایندگان سیاسی وعده زیادی از رجال ومدیران روزنامه‌ها جهت گشایش نمایشگاه صنایع شوروی در زمان جنگ در تالار دبیرستان دارالفنون حضور بهمرسانیده و

از تاریخچه حزب عدالت — نگارش ع.ج.

چرا میهن خود را ترك میکردند

یك منظره مخوف دیگر

چند سال بعد شاهد یك منظره دیگر شدم پس از سالها آرزو پسر خاله‌ام مرا بده خودشان برده بود. دو هفته تمام در آنجا بسر بردم. مردمان ده ما نسبتا از آنها فهمیده تر بودند. بمناسبت مهاجرت هائیکه بخارج میکردند چشم و گوششان باز شده بود. از خود ملا روضه خوان حتی پزشك و معلم داشتند. ولی ساکنین قریه که من مهمان بودم خیلی بد زندگی میکردند همه عامی و بی سواد بودند خانه و مسکنشان بسیار تاریك کثیفتر بود با گاو گوسفند زیر یك پشت بام توی یك محل زندگی میکردند. وقتار ارباب‌شان برای من تازگی داشت. خرمنها را یك ده تمام گوسفند حاضر کرده بودند ولی مباشر حاضر نمیشد دست ارباب را تعین کرده مالیرا اجازه بدهد بردارند ارباب از روسای شاهسون بود سواران مسلح زیادی داشت که دهات اطراف را غارت کرده مال میل خود تقسیم مینمودند. پسر خاله‌ام [illegible] از دهقانها شب علوفه [illegible] بیهای صحبت میکردند. من هرچه سعی میکردم مقصودشان را به فهمم میسر نمیشد. بالاخره یك شب مرا آهسته از خواب بیدار کرده [illegible] دستور دادند بدون سرو صدا با آنها راه بیفتم شب تاریکی بود چهار خانواده با زن و بچه و بزرگ و کوچك هرچه از کهنه و ظرف و لوازم زندگی توانسته بودند برداشته از ده فرار میکردند از خرمن و محصول صرف نظر نموده بودند. زنان بسا حسرت و تاثر پشت سر خود نگاه کرده آه میکشیدند. دلشان می خواست از جائیکه هزاران خاطرات و یادگارهای حزن آمیز یا مسرت بخش داشته برای همیشه دور شوند. ... دستور داده بودند دوراه یك کلمه هم باهم حرف نزنیم صرفه هرکس بوده ساله اگر خواسته باشیم توقف نکنیم لازم بود بدون چونی که در دست داشتیم بهم دیگر اطلاع بدهیم.

کاروان بی سروصدا ولی با ترس وهراس بی پایان راه میرفت از شنیدن کوچکترین صدا ... سواران ارباب و از راهزنان و موانع مشکلات دیگری که ممکن بود پیش بیاید واهمه داشتیم. ... ارباب هرچه با خود برداشته بودند از دست داده ... کوچه ها آورده شد.

برای چه بجزئیات میپردازم

بعضی مورخین وادبای ملت ما دراین است که تا امروز بنام تاریخ ملت تمام زندگانی توده تمام اعیان ما هیچ چیز بوجود نیاورده اند ذکر کسی نخواهد از میهنت آثار جامعه ایرانی بعنی دهقان اطلاع کوچکی بدست بیاورد ناچار است بده رفته مدتی از عمر خود را در آنجا بسر برده تفره وضعیت همه دهقانان شهرستانها هم بکجور نیست که شخص بتواند اطلاع صحیح پیدا کند. اما من که برای نوشتن فرصت دستم افتاده چرا باید از گفتن و بیادآوردن مشاهدات خود صرفنظر بکنم. از کجا معلوم هیچ جزئیات بیشتر جالب و ... نداشته باشد و بیشتر مورد استفاده واقع نگردد.

پس از پذیرائی گرم و صمیمانه ای که از طرف کارکنان سفارت شوروی از آنها بعمل آمد آقای ماکزیموف شارژدافر سفارت شوروی [illegible] راجع به صنایع ملل شوروی در زمان جنگ ... تشکرات ... ایراد نموده که متن آنرا ذیلا بنظر خوانندگان میرسانیم:

نطق آقای ماکزیموف

سومین سال جنگ آغاز گردید ملت شوروی با آغاز سومین سال این نبرد برای حصول پیروزی و آزادی خود برعلیه جانیان هیتلری که مورد تنفر و حقارت کلیه ملل آزادیخواه میباشد مبارزه خدا کارانه ایرا نموده وطن آن از شرافت واستقلال و تمدن ملل مترقی دنیا پیروزمندانه دفاع مینماید.

از همین لحظه ظاهر است که ملت شوروی در این مبارزه خود را یکه و تنها نمیبیند و ارتحیه روحی ملل آزادیخواه بخلاف مانند و و شمشیر زیادی از هر یك از نواحی جهان ... میشود استقبال شایانی مینمایند.

درهرساعت و درروز هزاران هزار افراد میهن دوست شوروی چه در جبهه وچه در نواحی ... آن بسرودن اشعار و نوشتن کتب و ... وجمع آوری مدارك حقیقی که دال بر علاقمندی و میهن دوستی و ابراز شجاعت و مردانگی آنها است ... ملت شوروی از ابراز این علاقه و میهن دوستی ... آنها را نظم و طبع نمایند.

نمایشگاه آثار صنعت شوروی و عطرات ایام جنگ که همین امروز ... مهمانان گرام ... ملت شوروی ... مجسم گردیده است.

در این نمایشگاه عکسها و نقشها و تصاویری را مشاهده خواهید نمود ... صنایع شوروی ... شجاعت سواران ... مرگ ... هیتلری ...

عکسهای ... در این نمایشگاه از برخی صحنه های تئاتر و سینما های معاصر ... شجاعت و شهامت ... نشان میدهد.

فداکاری و بهبودی ... هنرمندان ...

ملت شوروی که در مبارزه برعلیه آلمان هیتلری ... هیتلرها ... بمنظور ... برای مقابل ... خون ...

آخرین ساعت

نیروی سرخ در جبهه اورل از ۶۰ تا ۱۰۰ کیلو متر پیش رفته بعلاوه خط مسکو را اشغال کرده است در اطراف دونتز جنگ در همه جا میگذرد روسها از رود دونتز عبور کرده.

مابین ایزیوم و روشلو دنگراد جنگ و سخت می باشد در سیسیل فقط یکراه آهن مانده است که محور بها میتوانند از آن استفاده نمایند.

شهر آسا از طرف واحدهای امریکائی و کانادائی اشغال گردیده است

در پیرامون کاتانیا جنگ ادامه دارد ... بطرف مغرب و شمال جزیره سیسیل پیش میروند

لجن زار انتخابات

... در شماره دیروز ما ... که برخلاف عقیده و مسلك ... وجدان ما میباشد ... با آقای امان ... و آقای ... اما ... این قبیل اشخاص ... بیشتر در این کوره ... معاشه ... را ... کشور ایران معرفی ... اگر ... این ... برای ایشان ... بهرحال از قرار معلوم ... که در مراغه ... شده بود ...

... روزنامه (سعادت بشر) ... رور ... داده است.

ما از خوانندگان محترم ... با آنها ... که ... ذکر شده است ... خودمان هرگز ... که ... کلاه خود را ... و ... که ... ما در ... تهران میباشیم

در ایران چه خبر است

کوپن قماش یا راه دزدی

... این هم کاهی ... قماش ... هیچ ... بعضی ... این کار سعی ... مدت ... را ... کرده ... جامه ... کنند.

این کار ... که فقط وسیله ... لالان و خرید و فروش کنندگان کوپن را ... میگذارد.

این آگهی ... که ... دیروز ... از طرف ... منتشر ... کاری ... است.

اگر راست ... مدت ... دیگر ... چه ... خواهد ... از کوپن ... استفاده ... نماید.

ما ... کاسه ... مراتع ... که ... سود ... شرح ... اینم ... شاید ...

به هرجور ... هرکار ... می اند ... ممکن نیست ... که ... این ... اعلای ما است

فروش آرد در تهران

... در سیلوی تهران و انبارهای ... آرد ... بشرح زیر ... شده:

در برابر هر کوپن ۴۰۰ گرمی ۲۲ کیلو
در برابر هر کوپن ۴۰۰ گرمی ۱۴۱ کیلو
در برابر هر کوپن ۸۰۰ گرمی ۲۸۸ کیلو

آگهی مربوط بفروش آرد ... که از طرف دولت منتشر خواهد شد ... برای ... تصحیح آن ... و ... آرد ... فروخته شود.

بنگاه کل کارپردازی

برحسب پیشنهاد وزارت دارائی و موافقت هیئت وزیران بنگاهی بنام بنگاه کل کارپردازی تشکیل شده و کلیه خریدها و فروشها و معاملات دولتی توسط این بنگاه انجام خواهد پذیرفت.

ساختمان پل تجریش

نظر باینکه پل تجریش که در اثر سیل خراب شده بود مورد توجه شهرداری قرار گرفته این اداره با شرکت ساختمانی ... وارد مذاکره شده است که ساختمان آنرا ... انجام دهد.

رسیدگی بشکایت ارباب کیخسرو

... ارباب کیخسرو ... شاهرخ ... دادسرای تهران ... آقای ... شاهرخ ... آقای مهدی ملکی ... وکیل ... اطلاع ... آقای ... دادسرای تهران ... روز ... ساعت ۱۰ ... احضار گردیده است.

دعوت قنسولگری انگلیس

... پرفسور ... بولورسکی ... روز ... ۳۰ ... مجلس ... در محل انجمن فرهنگی ایران و انگلیس ... زبان انگلیسی ... بمناسبت ... از طرف قنسولگری انگلیس از آقایان ... و مدیران ... دعوت ... آمده است که ... شرکت ... حضور بهمرسانند.

... و مادران ... از ... و دیدن ... و آثار ... مقابل ... قرار گرفته و ... خواهد رسید.

مهمانان گرامی ... اولا ... برای ... این نمایش ... کمپ ... بنگاه ... که ... شرکت ... نمایشگاه دیگری ... و ... آن ... برای آنچه ... دموکراسی ... و ... و تاریخ علم آغاز گردد.

از اندیشه های ۲۱ سال پیش ما

حفظ آزادی وظیفه ملت است

زیر عنوان فوق در روز نامه حقیقت مقاله اجتماعی نوشته میخواستیم بخوانده حالی بکنیم که اگر خود متشکل نشده از آزادی و حقوق خود نگهداری ننماید نه شاه نه وزیر نه پیشوا نه پهلوان بالاخره هیچکس این کار را برایش انجام نخواهد داد.

اینک یکی از آن مقاله ها که روز نامه شفق سرخ ضمن مقالات مطبوعاتی خود خلاصه آنرا چاپ و منتشر کرده بود.

حقیقت شماره ۳۶

حفظ آزادی وظیفه ملت است

یک سر مقاله مفید وخوبی در این شماره حقیقت خوانده میشد که این مسئله را تشریح میکرد تنها وضع و تدوین قوانین فائده ندارد و تنها گرفتن مشروطیت برای سعادتمندی ملت کافی نیست. قوانین باید اجرا شود و مشروطه باید در اثر مجاهدت مشتاقی آزادیخواهان صورت عمل و حقیقت بخودبگیرد.

اعیان اشراف و پرورش یافتگان داده استبداد هرگز ما ورای اصول مشروطیت مایل نیستند. این ملت است که باید نگذارد حقوق او تجاوز و تعدی بشود.

ملت امروز سخت متوحش است. او عملی شدن قانون اساسی را میخواهد. انجمنهای ایالتی وولایتی را تقاضا میکند.

او میخواهد قوانین که در اثر مجاهدت و فداکاری بدست آمده است عملی شود ومورد استفاده قرار گیرد.

شفق سرخ شماره ۹ — غره شعبان سال ۱۳۴۱

در دنیا چه خبر است

پیشرفت نیروی سرخ

مسکو — بقرار که خبرنگار [illegible] فرستاده مخصوص خبرگزاری انگلیس از مسکو خبر میدهد نیروهای شوروی که درجنوب خاوری شکلای که دو جبهه شمالی دشمن بازشده مشغول پیشرفت هستند باکمال سرعت بسوی شهر [illegible] (وولخوس) که زیر حملات [illegible] شوروی واقع گردیده است پیش میروند [illegible] نیروهای شوروی [illegible] که [illegible] شهر [illegible] [illegible] جنوب آن شهر [illegible] [illegible] و نیروهائی که در منطقه [illegible] روده کاسته میشود چون آلمانیهائی که در این ناحیه [illegible] محاصره میباشند [illegible] آن ناحیه عبور کرده [illegible] آرتش شوروی [illegible] جنوب راه آهن بین «وروژ» و (اورل) در منطقه [illegible] میباشد این نیروها [illegible]

***

مسکو — [illegible] خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible] بر آنست که در [illegible] نیروهای شوروی در ناحیه اورل مقاومت دشمن را در هم شکسته حملات خود را در جهات سابق تعقیب نموده و [illegible] کیلومتر پیش رفته اند [illegible] دشمن دفع گردید و تلفات سنگینی بروی وارد آمد.

در شمال خاوری اورل نیروهای ما سی عشر مسکونی از جمله شهر «[illegible]» را تصرف کرده اند در سمت خاور اورل هم نیروهای ما [illegible] ایستگاه راه آهن «وروشلوف» را تصرف شده اند در جنوب اورل نیز نیروهای ما [illegible] را دفع کرده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] پیکارهای محلی جریان دارد که بالاخره [illegible] در این ناحیه نیروهای ما از مسیر [illegible] شمالی و [illegible] عبور کرده مواضع خود را [illegible] و [illegible] و پیکارهای هوائی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] شده اند

ستالین گراد ثانی

مسکو — [illegible] خبرنگار خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible] است [illegible] اورل یک استالینگراد ثانی شود و [illegible] که آلمان ها [illegible] استالینگراد [illegible] [illegible] [illegible]

از دفتر خاطرات زندان — نگارش ج. پ

سرتیپ پسیان

و چهار پنج سال بعد از [illegible] و نجیب مقررات خشن جرم اخلاص با ارتشاه بزندان آمده یکروز در کریدور حمام باو تصادف کردم خیلی دلش میخواست با مطالعاتش [illegible] پیدا کند.

پس از سلام و تعارف من پیشقدم شده گفتم شما را هنوز محاکمه نکرده اند؟ گفت بخواهی چکنی. گفتم از توقیف بلاتکلیف خوشتان میآید؟ گفت مقصود شما را نمی فهمم. او حالا دیگر درنظر من بیکرداری عادی بود خودش هم احساس میکرد که دیگر سرتیپ نیست لذا گفتگوی ما بیشتر ساده بود بزرگی گفتم داداش یادتان هست یکوقت با چه قدر از اسیران [illegible] [illegible] آورده بودید.

آنروز هیچ فکر نمیکردید که ممکن است روزی راهتان باینجا بیفتد. گفت حالا میبینم شما چه میخواهید بگوئید از آن وقت اینجا هستید. گفتم بله من بعد در [illegible] [illegible] درزیر رژیمی که مقرر فرموده بود [illegible] بیرون رفتند.

گفت آری خوب [illegible] شما آن هستید که مریض بودید خواست که زنده بمانید. گفتم جای شکرش باقی است بعد از این دیگر سعی میکردم ملاقاتش کنم. مردم [illegible] عمال دولت از زبان هم خوششان نمیآمد اگرچه او خودش میل داشت مخصوصا با طبقه پائین [illegible] آمیزش بکند.

[illegible] کثیف بود نوشت ماخیلی ها را [illegible] ملاکین مازندران. قوانین چاه کوتاهی مردمان ساده و خوبی بودند.

رؤسای ایل کلهر امیر مخصوص و خسروخان بلوچ بعضی اطلاعات مخصوص آدمهای من آزادی منظر میآمدند. بعنوان صدر سلطان و اکراد مردمان خشن ولی خوبی بودند. برادر مختاری هفت سال [illegible] [illegible] جلو چشم ما زندگی میکرد آنموقع مردم [illegible] شده بود ولی شنیدم بعداز مرخصی [illegible] بآن تحصیلی که انتظار داشت تاسیس شود میخواست از [illegible] و انواع راههای دیگر [illegible] زندان را در [illegible]

اصغر [illegible] درزندان مرکزی بود او هم اخلاق ورفتار عجیبی داشت [illegible] [illegible] [illegible] اصغر از اداره زندان بطور [illegible] درست کرده میفروختند.

شبیه پنجاه وشصت تومان پول درست کرده بود. هر شوراکی که میخواست برایش تهیه میکرد یکروز در وسط تابستان ماهی تازه خواسته بود. بیست گرانی برایش تهیه کردند و هیچ خیال نمیکرد که اعدامش بکنند. آدم [illegible] خوبی بود میگفت میخواستم ریشه بدکاری را از بیخ بکنم اعلیحضرت بمن قول داده که [illegible] پاداش خوبی بمن اعطا کند.

[illegible] و پنجاه [illegible] نیروی شوروی [illegible] خاور و جنوب برای آلمانها [illegible] [illegible] شصت میل توسعه دارد راه فرار [illegible] گذاشته است

درستاد هیتلر

استکهلم — خبرگزاری شوروی اطلاع میدهد خبراری که باستکهلم خبر رسیده است «[illegible]» وزیر [illegible] آلمان بمرکز ستاد هیتلر دعوت شده است و [illegible] دعوت وی [illegible] فوق العاده ای باشد که از [illegible] [illegible] و دیگر جهات بنواحی اورل و [illegible] [illegible] بر آلمان ها وارد آمده است و اکنون میخواهند [illegible] این تلفات را پر کنند.

هیتلر و موسولینی

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس امروز از ستاد آرتش هیتلر خبر داده که هیتلر و موسولینی در یکی از شهرهای شمالی ایتالیا ملاقات نمودند.

اعلامیه خبر گزاری آلمان حاکی است که مسائل نظامی مورد بحث قرار گرفته است.

خبرنگار سیاسی خبر گزاری آلمان [illegible] [illegible] [illegible] موضوع مورد بحث بوده است.

خبر گزاری آلمان میگوید که وضع نظامی آلمان در جبهه شوروی و [illegible] انگلیس و آمریکا [illegible] مورد مذاکره واقع بوده است

موسیلنی در رم نبود

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس [illegible] خبر میرسد که دیروز [illegible] بمب افکن متفقین رم را بمباران میکرد موسولینی دور بوده بموجب اعلامیه آلمان او باهیتلر در یکی از نقاط شمالی ایتالیا بوده.

بقرار یکه خبر نگار سیاسی خبر گزاری آلمان گفته است آنها در باره اوضاع جبهه روسیه ومذاکره [illegible]

کرده اند هیتلر وموسولینی آخرین بار از هفتم تا دهم آوریل در ستاد آرتش هیتلر هنگامیکه وضع نیروهای محور در تونس پس از شکست در خط دفاعی مارث بینهایت سخت بود یکدیگر را ملاقات نموده از زمانیکه ایتالیا وارد جنگ شده این پنجمین بار است که این دو نفر یکدیگر را ملاقات میکنند

تخلیه رم

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس روز نامه های ایتالیا درخواست کرده اند که پایتخت ایتالیا از مردان غیرنظامی که وجود آنها ضروری نیست تخلیه شود تمام صاحبان اتومبیل با اجازه یا بدون اجازه اختیار دارند که با اتومبیل های خویش خانواده و اشیاء خود را انتقال دهند و رم را تخلیه نمایند رادیوی آلمان خبر میدهد که آگهی هائی بدیوارهای شهر نصب شده که مردم دستورات لازم هنگام اعلام قانون حکومت نظامی را داده است رادیو آلمان امروز [illegible] اطلاع میدهد که هزاران خانواده از رم همواره بطرف شمال و خاور ایتالیا رهسپارند

هدیه هیتلر به بلغارستان

قاهره — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس موجب خبری که از یک منبع موثق [illegible] اطلاعات یونان رسیده دولت آلمان تمام خاک مقدونیه را باستثنای سالونیک واراضی کرانه دریای اژه را سرش بیست میل بدولت بلغارستان واگذار کرده است. بموجب همین خبر ادارات دولتی در ناحیه واگذاری از کار دست کشیده و کارمندان دولت و [illegible] های یونانی این ناحیه را تخلیه کرده اند و در ضمن در میان اهالی [illegible] مقدونیه اغتشاشات بزرگی روی داده است

وزیر مختار چین

در ایران

چونکینگ بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس کابینه چین امروز آقای [illegible] را بمقام وزارت مختاری دولت چین در ایران برگزیده. این شخص اکنون وزیر مختار دولت چین در عراق عرب می باشد.

در شرق دور

ستاد ارتش متفقین در جنوب باختری اقیانوس کبیر — طبق اطلاع خبر گزاری انگلیسی روز [illegible] ستاد ارتش متفقین در ناحیه باختری اقیانوس کبیر اعلامیه ای انتشار داد و طی آن چنین اشعار داشت نیروی امریکا در جهت ایستگاه هوائی ژاپن در موندا که آخرین مرکز مستحکم ژاپن در «جیورجی جدید» است مختصری پیشرفت کرده. بمب افکنهای ما بر مواضع ژاپنی واقع در ناحیه «بای رو کو» حمله بردند و بیست وهشت تن بمب انفجاری بر آن افکندند و برفرودگاههای کوبلی و بالال واقع در جزیره «بوین فیری»

را بمباران کردند و حریقهائی بر پا نمودند و نیز مدت پنج ساعت بر ایستگاه آبی در «کاکاسار» واقع در جزیره «[illegible]» حمله بردند و حریقهای بزرگی بوجود آوردند که شعله آنها از هفتاد میلی دیده میشد.

در جبهه شوروی

مسکو — هارلد کینگ خبرنگار خبر گزاری انگلیس از مسکو خبر میدهد که جلوداران شوروی متمرکز در شمال باختری بنقطه ای رسیده اند که خط عمده مهم هجنر که مهمترین وسائل تغذیه حامل مواد ولوازم آلمان بجبهه اورل میباشد بیش از هفت میل فاصله ندارد واین خط مهم خط آهن بین اورل وبریانسک میباشد. ارتش سرخ قسمت پیشرفتگی را که در مواضع نیروی آلمان در شمال باختری ایجاد کرده توسعه داده و تسلط خویش را در خاور رود خانه «وی تب» که بین «[illegible]» و کاراچف از شمال بجنوب جاری است و دو کیلو راه آهن بین اورل وبریانسک قرار گرفته مستقر نموده است.

نیروی شوروی علاوه بر موفقیتهائی که اخیرا بدست آورده صد شهر واقع در خاور اورل را اشغال کرده است. واحد های ارتش سرخ طی عملیات در جنوب شهر اورل بسوی جنوب [illegible] این شهر بسمت باختری که بر «[illegible]» واقع در کنار جاده بزرگ ومهمی که از اورل بسوی جنوب امتداد دارد دست یافته است.

در سیسیل

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس نیروهای هوائی متفقین راه کرانه کتان را که در دامنه خاوری آتنا میباشد بمباران میکنند نیروهای متفقین همچنین رم را و که مسافر خطوط عقب نشینی محور از کتان بدامنه باختری آتنا می باشد بمباران میکنند.

بمباران رم

قاهره — طبق اطلاع خبر گزاری انگلیس اعلامیه ستاد نیروی هوائی خاور میانه چنین اشعار میدارد چند بمب افکن از نوع لیبراتور جزو نوبن بخش نیروی هوائی امریکا دیروز روز روشن برروم پایتخت ایتالیا حمله کرده و بمباران از بمبهای سنگین بر مناطق هدف خود افکندند بطوریکه هوا نوردان ما مشاهده کردند در خطوط آهن وانبار ها و آشیانه های لوکوموتیو و کار گاهها انفجاراتی دست داد و حریقهائی برپا شد ویک قطار مهمات نیز [illegible] گشت بمبهای ما آشیانهای هوا پیما و عمارات وفرودگاه لیتوریو را آسیب رسانیده و در آنجا حریق برپا کردند و [illegible] هوا پیماها را که روی زمین نشسته بود [illegible] نمودند.

چاپخانه طلوع

تالیف ا. پوشکین — ترجمه کریم کشاورز

— ۲۶ —

(پس از مرگ مصنف منتشر گشته)

داستان «دوبرسکی»

حیاطها پر از اسبهای تازه وارد بود و حیاطهای [illegible] دیگر کالسکه ها پر بود ساعت ۹ صبح و ابرای نماز اعلان کرده وهمه بطرف کلیسای تازه سنگی که گبریل پطرویچ ساخته و هرسال بانعامهای خود مزین میکرد روان گشتند.

عده زائرین محترم بقدری زیاد بود که جائی برای روستائیان در کلیسا باقی نمانده بود و ایشان درمیدان جلوی کلیسا و باغ ایستاده بودند نماز شروع نشده بود و منتظر گبریل پطرویچ بودند مشارالیه در کالسکه شش اسبه وارد شد و با طمطراق تمام بهمراهی دخترش ماریا گبریلونا در جای مخصوص بخود جلوس کرد انظار مردها و زنها بسمت مشارالیها متوجه شد اولی ها از صباحت او در شگفت و دومی ها بلباس لباس و برکش را ازقابل نظر میگذرانیدند نماز شروع شد خوانندگان خانگی سرود مذهبی میسرائیدند و گبریل پطرویچ هم باایشان همراهی میکرد و بدون اینکه به چپ و راست نظر کند دعا میخواند و وقتی کشیش با صدای بلند یادی از مؤسس و بانی معبد کرد گبریل پطرویچ باتواضع آمیخته به مناعتی سرفرود آورد

نماز انجام گرفت.

گبریل پطرویچ قبل از همه بطرف صلیب رفت و جملگی بدنبالش حرکت کردند سپس همسایگان نزد او آمده و مراتب احترام خود را تقدیم داشتند و خانمها دخترشرا احاطه کردند.

گبریل پطرویچ درحین خروج از کلیسا همه را بنهار دعوت کرد و در کالسکه نشسته و بسمت منزل رهسپار شد

همه بدنبالش رفتند اطاقها پراز مهمانان شده هرآن اشخاص جدیدی وارد شده و بزحمت خودرا به صاحب خانه میرساندند

خانمها نیم دایره تشکیل داده و نشسته بودند و به لباسهای از مد افتاده ملبس و زینت های مستعمل و لی گرانبها استعمال کرده و دربرلباسات غرق بودند مردها در اطراف خاویارو ودکا جمع کرده و باهماهو صحبت میکردند

در سالون میزی برای هشتاد نفر میچیدند

خدام خانه مشغول کار بوده و بطریها و تنگها را چیده و دستمال سفره ها را درجلهای خود می نهادند بالاخره آبدار باشی باصدای بلند کلمات «غذا حاضر است» را تلفظ کرد

گبریل پطرویچ قبل ازهمه بحرکت درآمد تا بجای خود قرار گیرد از پی او خانم ها خرامیدن آغاز کردند و بامراعات تقدم و تاخر جا های خویش را اشغال کرده و بعود گرفتند دختر خانمها مثل یک گله آهوی رم خورده بهم کرد آمدند و بالاخره پهلوی هم جای گرفتند مردها روبروی آنها نشستند و در انتهای میزمعلم فرانسوی پهلوی ماشا قرار گرفت

پیشخدمتها بشقاب های غذا را بامراعات درجه ومنصب پس و پیش تقسیم کرده و درمواردیکه منصب و مقام معنوی را نمیدانستند به تصادف که تقریبا همیشه درست در میآمد متوسل میشدند صدای بشقاب ها و قاشقها بلهجه و گفتگوی مهمانان توام شده بودگبریل پطرویچ بانشاط به سفره ماهار خودنگریسته و ازاین نان و نمک تازه کردن بامهمانان متلذذ میگشت در این موقع کالسکه شش اسب وارد حیاط شد.

صاحب خانه سوآل کرد.

کیست؟

چند صدا بیکبارگی جواب دادند:

آنتون پفنوتیچ!

درها باز شدند و مردی کنده پنجاه ساله دارای صورتی مجدر مزین به سه غبغب آنتون پفنوتیچ [illegible] سلام کنان و متبسم داخل سالون ناهار شده و خواست معذرت بخواهد گبریل پطرویچ فریاد زد

آهای — اینجا طرف بگذارید آنتون پفنوتیچ بفرما خوش آمدی و بگو ببینم این چه معنی دارد رکت نلامن نیامدی وبرای ناهار دیر کردی‌تو ازاین کارها نمیکردی ماشاء الله [illegible] هم شکمت را [illegible]

آنتون پفنوتیچ درحینیکه دستمال سفره را به جامه نخودی رنگ خود اتصال میداد گفت:

معذرت، معذرت آقا جان من

خیلی زود از منزل راه افتادم ولی هنوز ده ورست حرکت نکرده بودم که ناگهان تسمه آهنی چرخ جلو دونیم شد خوب چه میفرمائید

خوشبختانه دوراز ده بودیم